روایت‌هایی از ظرفیت‌ها، تجربه‌ها و چالش‌های آموزش در مدارس دولتی و غیرانتفاعی

از کلاس‌های شلوغ تا شهریه‌های سنگین

گزارش

مرجان قندی - گروه گزارش/ در خیابانی آرام در شمال تهران، دو مدرسه ابتدایی با فاصله‌ای چند صد متری از هم قرار گرفته‌اند؛ یکی با عنوان دولتی با حیاطی بزرگ و ساده و فضایی که خاطرات سالیان سال آموزش مألوف را در خود دارد و دیگری با عنوان غیرانتفاعی با نمایی مدرن، کلاس‌های هوشمند و امکاناتی نو ، هرچند با حیاطی بسیار کوچک.

هر صبح، صدای زنگ در خیابان طنین‌انداز می‌شود و دانش‌آموزان هر دو مدرسه، با روپوش‌هایی که تفاوتشان در رنگ و مدل دوخت است، از کنار هم عبور می‌کنند؛ یکی با کفش‌های واکس‌خورده و دیگری با کتانی‌های برند. با وجود تفاوت‌ها، هدف هر دو مدرسه تربیت نسلی آگاه، توانمند و امیدوار است.

شاید مسیرها متفاوت باشد، اما مقصد یکی است؛ ساختن آینده‌ای روشن؛ و در این مسیر، دانش‌آموزانی که هر صبح با صدای زنگ مدرسه، رویاهایشان را به کلاس می‌برند. این درحالی است که پشت این مسیر مشترک اما متفاوت، دغدغه‌های بسیاری پنهان شده است.

خانواده‌ها در انتخاب مدرسه برای فرزندانشان، میان کیفیت آموزش، هزینه‌ها، امکانات و حتی نوع تربیت مردد می‌مانند. برخی ترجیح می‌دهند فرزندشان در مدرسه‌ای دولتی درس بخواند که سابقه‌ای طولانی دارد و معلمانش باتجربه‌اند؛ برخی دیگر، امکانات بیشتر، کلاس‌های فوق‌برنامه، زبان دوم و فضای مدرن را در مدارس غیرانتفاعی می‌پسندند.

عکس‌ها: علی محمدی/ایران

بر اساس آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش، در سال تحصیلی گذشته (۱۴۰۴-۱۴۰۳) بیش از ۱۶ میلیون دانش‌آموز در سراسر کشور مشغول به تحصیل بودند. از این تعداد، حدود ۸۵ درصد در مدارس دولتی و ۱۵ درصد در مدارس غیرانتفاعی ثبت‌نام کردند. این نسبت در مقاطع مختلف کمی متفاوت است؛ به‌طوری‌که در مقطع ابتدایی، سهم مدارس غیرانتفاعی به حدود ۱۷ درصد می‌رسید. مدارس دولتی اما با بیش از ۱۰۷ هزار واحد آموزشی، ستون فقرات آموزش عمومی کشور را تشکیل دادند. با این حال مدارس غیرانتفاعی با رشد قابل‌توجه در دهه اخیر، بویژه در مناطق شهری، به گزینه‌ای جدی برای خانواده‌هایی با توان مالی متوسط و بالا تبدیل شده‌اند. در گفت‌وگو با چند خانواده، مشخص شد که معیار انتخاب مدرسه برای بسیاری از آنها، نه فقط امکانات، بلکه نوع نگاه به آموزش و تربیت است. مادر یکی از دانش‌آموزان مدرسه دولتی می‌گوید: «برای من مهم بود که فرزندم در محیطی ساده اما با معلم‌هایی دلسوز رشد کند.» در مقابل، پدر دانش‌آموزی از مدرسه غیرانتفاعی معتقد است: «امکانات بیشتر یعنی فرصت‌های بیشتر برای یادگیری و رشد فرزندم.»

دو راه برای یک هدف

فاطمه، مادر نیکا دانش‌آموز کلاس چهارم، از تجربه‌اش با مدارس دولتی و غیرانتفاعی می‌گوید: «نیکا متولد ۹۴ است و امسال کلاس چهارم را در مدرسه غیرانتفاعی می‌گذراند. اما از کلاس اول تا سوم را در مدرسه دولتی درس خوانده است. امسال تصمیم گرفتیم مدرسه‌اش را عوض کنیم. با اینکه مدرسه جدید امکانات بیشتری دارد، من هنوز معتقدم سطح آموزشی و دلسوزی معلمان در مدارس دولتی بهتر است.»

او که تجربه ثبت‌نام و تحصیل فرزندش در هر دو نوع مدرسه را دارد، درباره انتخابش توضیح می‌دهد: «در مدارس دولتی، با وجود شلوغی کلاس‌ها، معلم‌ها بیشتر به بچه‌ها توجه می‌کنند. جلسات مشاوره با والدین مرتب برگزار می‌شود و معلم‌ها واقعاً روحیه بچه‌ها را می‌شناسند. این برای من خیلی مهم بود. با این حال، امسال ناچار شدم تصمیم متفاوتی بگیرم و دخترم را در مدرسه غیرانتفاعی ثبت‌نام کنم به دلیل اینکه می‌خواستم نیکا در مدرسه‌ای نزدیک محل کارم باشد تا ساعات بیشتری را در مدرسه بگذراند تا باهم به خانه برگردیم.»

مادر این دانش‌آموز درباره هزینه‌های مدرسه غیرانتفاعی می‌گوید: «هزینه ثبت‌نام و شهریه حدود ۱۰۰ میلیون تومان بود. هزینه‌های جانبی مثل کلاس‌های فوق‌برنامه، اردوها و سرویس را هم باید جدا حساب می‌کردیم. سالانه ممکن است این مبلغ تا ۱۶۰ میلیون تومان هم برسد. خانواده‌ها باید برای این هزینه‌ها برنامه‌ریزی مالی دقیقی داشته باشند.» او درباره تفاوت امکانات مدارس می‌گوید: «در مدارس دولتی، خیلی از وسایل مثل پرده کلاس یا تجهیزات کلاس را خود والدین تهیه می‌کنند، اما در مدارس غیرانتفاعی، کلاس‌ها رنگی‌تر و مجهزتر طراحی و آماده می‌شوند. محیط منظم‌تری دارند و روی آموزش و انضباط تأکید بیشتری می‌کنند.»

فاطمه به تفاوت نقش والدین در دو نوع مدرسه اشاره می‌کند و می‌گوید: «در مدارس غیرانتفاعی، والدین بیشتر درگیر امور مدرسه هستند و دغدغه‌های زیادی دارند. اما در مدارس دولتی، والدین کمتر دغدغه‌های این چنینی دارند و بیشتر به آموزش و صرفاً به مباحث درسی فرزندانشان توجه می‌کنند.» مادر این دانش‌آموز با یادآوری اینکه هر مدرسه مزایا و معایب خودش را دارد، می‌گوید: «مهم این است که والدین نیازهای فرزندشان را بشناسند و محیطی را برای آنها فراهم کنند که بچه‌ها در مسیر درست بتوانند رشد کنند.»

انتخاب میان هزینه و کیفیت

مریم، مادر کیانا دانش‌آموز مقطع پنجم ابتدایی، از چالش‌های انتخاب مدرسه برای دخترش می‌گوید: «دخترم هم در مدرسه دولتی درس خوانده و هم غیرانتفاعی. سال‌های اول، مدرسه دولتی را انتخاب کردیم چون مدرسه‌اش هم نزدیک محل کارم بود و هم از نظر مالی برایمان به‌صرفه‌تر بود. اما وقتی تقسیم‌بندی مدارس به دوره اول و دوم انجام شد، مدرسه‌اش فقط تا پایه دوم فعالیت کرد و مجبور شدیم برای پایه سوم، مدرسه را عوض کنیم. این جابه‌جایی برای خانواده‌هایی مثل ما که هر دو والد شاغل هستند، واقعاً سخت و دردسرساز بود. ما ناچار شدیم دخترمان را در مدرسه غیرانتفاعی در منطقه ثبت‌نام کنیم، با اینکه هزینه‌اش برایمان خیلی بالا بود.» مریم درباره تفاوت عملکرد آموزشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی می‌گوید: «واقعیت این است که کیفیت آموزش در مدارس غیرانتفاعی بهتر است، چون تعداد دانش‌آموزان کمتر است و معلم‌ها وقت بیشتری برای رسیدگی به هر کدام از دانش‌آموزان دارند. در مدرسه غیرانتفاعی، معلم‌ها هر روز تکالیف بچه‌ها را بررسی و اگر مشکلی باشد، پیگیری می‌کنند. اما در مدرسه دولتی، این روند کمتر دیده می‌شود چون تعداد دانش‌آموزان یک کلاس خیلی بیشتر است. همین موضوع باعث می‌شود خیلی از والدین، با وجود دسترسی به مدارس دولتی، ترجیح بدهند فرزندشان را در مدرسه غیرانتفاعی ثبت‌نام کنند.» او به دغدغه‌های بهداشتی هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «نگران سلامت دخترم هستم. محیط مدرسه باید تمیز و امن باشد و این موضوع در مدارس غیرانتفاعی بیشتر رعایت می‌شود. با درنظر گرفتن همه این موارد اما نمی‌دانم در مقاطع بعدی بتوانم او را در مدرسه غیرانتفاعی ثبت‌نام کنم یا نه، چون برای این کار فشار مالی بسیاری را متحمل می‌شویم. با توجه به اینکه شهریه امسال حدود ۱۰۰ میلیون تومان بود، احتمالاً سال آینده به ۱۵۰ میلیون تومان یا بیشتر می‌رسد. شهریه امسال را فعلاً با قسط‌بندی پرداخت می‌کنیم، اما نگرانیم که سال‌های بعد نتوانیم این مسیر را ادامه بدهیم. آموزش و امکانات خوب حق همه بچه‌هاست، اما مهیا کردن شرایط در جامعه ما هزینه‌های خیلی سنگینی برای والدین دارد.»

> چالش اصلی از نگاه مدیر مدرسه غیر انتفاعی، هزینه‌های سنگین اجاره‌بهای املاک مدارس است. او می‌گوید: در مناطقی مثل سهروردی و شهید بهشتی، املاک مورد تأیید نوسازی خیلی کم هستند، بنابراین اجاره‌بها بسیار بالاست و این هزینه‌ها با شهریه‌ای که دریافت می‌کنیم همخوانی ندارد. بنابراین مؤسسان مجبور می‌شوند زیر بار این هزینه‌ها بروند تا مدرسه فعال بماند

آموزش مفید در مدارس غیرانتفاعی؛ ۷ ساعت

طاهرزاده، مدیر مدرسه غیرانتفاعی با سابقه‌ای بالا در آموزش و پرورش، از تفاوت‌ها و چالش‌های مدارس دولتی و غیرانتفاعی می‌گوید: «بعد از ۴۴ سال که با افتخار در خدمت دانش‌آموزان بودم و در سه مقطع ابتدایی، متوسطه اول و دوم، در بخش‌های اداری و ارزیابی عملکرد و مدیریت فعالیت کردم درباره تفاوت‌های مدارس دولتی و غیرانتفاعی می‌توانم به موارد بسیاری اشاره کنم. در مدارس دولتی معمولاً تعداد دانش‌آموزان بالاست و انتظارات خانواده‌ها با توجه به رایگان بودن آموزش، محدودتر است. اما در مدارس غیرانتفاعی، چون والدین هزینه پرداخت می‌کنند، انتظار دارند کلاس‌های فوق‌برنامه متنوع، رسیدگی بیشتر و کیفیت آموزشی بالاتری برای فرزندشان در مدرسه وجود داشته باشد.»

این مدیر باسابقه توضیح می‌دهد: «در مدارس دولتی معمولاً ۴ ساعت آموزش مفید داریم، اما در مدارس غیرانتفاعی این زمان به ۶ تا ۷ ساعت می‌رسد. تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس کمتر است و این باعث می‌شود معلم تمرکز بیشتری داشته باشد و بتواند با خلاقیت و روش‌های نوین، آموزش مؤثرتری ارائه دهد.»

او درباره شهریه مدارس غیرانتفاعی می‌گوید: «شهریه‌ها بر اساس آیتم‌هایی ازجمله تعداد دانش‌آموز، ظرفیت مدرسه، نوع برنامه‌های فوق‌برنامه، اردوها، فعالیت‌های ورزشی و سطح تحصیلات نیروها و... که مدارس در سامانه‌ای مشخص ثبت می‌کنند، تعیین می‌شود. بعد از بررسی منطقه آموزش و پرورش، اداره‌کل و وزارتخانه، شهریه مصوب اعلام می‌شود.»

چالش اصلی از نگاه این مدیر مدرسه، هزینه‌های سنگین اجاره‌بهای املاک مدارس غیرانتفاعی است. طاهرزاده می‌گوید: «در مناطقی مثل سهروردی و شهید بهشتی، املاک مورد تأیید نوسازی خیلی کم هستند، بنابراین اجاره‌بها بسیار بالاست و این هزینه‌ها با شهریه‌ای که دریافت می‌کنیم همخوانی ندارد. بنابراین مؤسسان مجبور می‌شوند زیر بار این هزینه‌ها بروند تا مدرسه فعال بماند.»

او با اشاره به چالش‌های پنهان این نوع مدارس، توضیح می‌دهد: «هزینه‌های جانبی مثل بیمه، حقوق نیروها و سایر مخارج با شهریه‌های فعلی به‌سختی پوشش داده می‌شوند. در مدرسه ما هیچ هزینه‌ای برای کتاب‌های درسی دریافت نمی‌کنیم، اما ساعات آموزشی از مدارس دولتی بیشتر است که این موضوع هزینه زیادی لازم دارد.»

نقش فناوری در موفقیت تحصیلی

مدارس غیرانتفاعی، با وجود امکانات بیشتر، در تأمین منابع مالی پایدار با چالش‌هایی مواجه‌اند؛ چالش‌هایی که گاه به افزایش شهریه یا محدود شدن خدمات آموزشی منجر می‌شود و خانواده‌ها را در انتخاب مدرسه دچار تردید می‌کند. طاهرزاده، مدیر مدرسه غیرانتفاعی، به نقش فناوری آموزشی در ارتقای کیفیت یادگیری اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما از وسایل کمک‌آموزشی و فناوری‌های نوین بیشتر استفاده می‌کنیم. این ابزارها تأثیر مثبتی در روند یادگیری دارند. نمونه‌اش قبولی‌های امسال در کنکور سراسری است. مدارس غیرانتفاعی نقش پررنگی در رتبه‌های بالا داشتند. این موفقیت فقط مربوط به دبیرستان نیست، بلکه از دوره ابتدایی شروع می‌شود و به‌صورت زنجیره‌ای ادامه پیدا می‌کند.» او درباره آموزش‌های مجازی پس از دوره کرونا نیز می‌گوید: «از زمان کرونا، ما بستر آموزش مجازی را برای دانش‌آموزانی که به دلایل مختلف غیبت دارند، فراهم کردیم. این فضا نیاز به اینترنت، تجهیزات و هزینه دارد، اما باعث شده هیچ دانش‌آموزی از درس عقب نماند.»

طاهرزاده درباره انتخاب معلمان در مدارس غیرانتفاعی توضیح می‌دهد: «معلم‌های ما اغلب جوان، پرانرژی و آشنا با روش‌های نوین تدریس هستند. این یک امتیاز است. فارغ‌التحصیلان مرتبط، بعد از طی مراحل گزینش آموزش و پرورش، وارد مدارس می‌شوند. این فرآیند باعث می‌شود نیروهای جوان و باانگیزه وارد سیستم شوند. نوع آموزش در مدارس دولتی و غیرانتفاعی یکسان است؛ تدریس براساس کتاب‌های درسی پایه است، اما در کنار این بخش آموزش‌های فوق‌برنامه هم اجرا می‌شود. در سال‌های اخیر، آموزش و پرورش دوره‌هایی برای معلمان مدارس دولتی برگزار می‌کند تا آنها هم بتوانند از آموزش‌های نوین بهره‌مند شوند. اما در مدارس غیرانتفاعی، این به‌روزرسانی‌ها به‌صورت مستمر و با برنامه‌ریزی منسجم‌تری انجام می‌شود.»

فضای مجازی؛ فرصت یا چالش در آموزش نوین

«مدارس دولتی با هدف تحقق عدالت آموزشی، پذیرای دانش‌آموزان از همه اقشار جامعه هستند. با این حال، چالش‌هایی مثل تراکم بالای کلاس‌ها، فرسودگی فضاهای آموزشی، کمبود تجهیزات و محدودیت‌های مالی، کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار داده‌اند.» عطایی، مدیر باتجربه مدرسه دولتی در مقطع ابتدایی در شرق تهران، با بیان این مطلب می‌گوید: «مدارس غیرانتفاعی معمولاً هزینه‌های بالایی دارند چون باید همه امکانات را از صفر تأمین کنند. برای همین، اغلب معلمان بازنشسته یا حق‌التدریسی استخدام می‌کنند چون توان پرداخت حقوق وزارت کار را ندارند. در مقابل، مدارس دولتی با حمایت‌های دولتی و هزینه‌های کمتر فعالیت می‌کنند، اما گاهی با کمبود تجهیزات مواجه‌اند.»

او به نمونه‌هایی از مدارس بنام دولتی در منطقه شرق تهران اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این منطقه مدارس غیرانتفاعی خوبی داریم که امکانات خیلی خوبی فراهم کرده‌اند اما شهریه‌های بالایی دارند. با اینکه خانواده‌هایی هستند که محدودیتی مالی برای تأمین شهریه این مدارس ندارند، ترجیح‌شان بر این است که فرزندشان در مدرسه دولتی درس بخواند. آنها با علم بر اینکه کلاس‌های مدارس دولتی شلوغ‌تر است و شاید ساده‌ترین امکاناتی که در مدارس غیرانتفاعی وجود دارد در این مدارس نباشد فرزندانشان را در مدارس دولتی ثبت‌نام می‌کنند، چون معتقدند سطح آموزشی مدارس دولتی بالاتر است.» عطایی به نقش فضای مجازی پس از دوران کرونا در روند آموزش اشاره می‌کند و می‌گوید: «در سال‌های اخیر به دلایل مختلف خانواده‌ها و معلمان بیشتر درگیر فضای مجازی شده‌اند، اما گاهی ارزیابی‌ها دقیق نیست. بسیاری هنوز روش‌های تدریس نوین را درست درک نکرده‌اند. در دوران کرونا، معلمانی داشتیم که شب‌ها برای تولید محتوا و ضبط فیلم تلاش می‌کردند، اما چون با فضای مجازی آشنا نبودند، در مدیریت کلاس ضعف داشتند که این ضعف‌ها گاه باعث برداشت‌های نادرست از سوی دانش‌آموزان و خانواده‌ها شده است.» این موضوع نشان می‌دهد که ورود فناوری به آموزش، اگرچه اجتناب‌ناپذیر و ضروری است، اما نیازمند آموزش تخصصی، ارزیابی دقیق و حمایت مستمر از معلمان است؛ تا ابزارهای نوین، به جای ایجاد فاصله، پلی باشند برای ارتقای کیفیت یادگیری. عطایی می‌گوید: «ارزیابی واقعی معلمان باید توسط مدیر و معاون مدارس انجام شود، همان‌طور که تشخیص انجام عمل خوب یا بد یک بیمار توسط تیم جراحی اتاق عمل درست‌ترین حالت ارزیابی است. ما هم می‌دانیم که برخی از همکاران‌مان هنوز با روش‌های جدید تدریس آشنا نیستند که باید دوره‌های آموزشی تخصصی برایشان برگزار شود، به‌خصوص حالا که فضای مجازی وارد آموزش شده و روش‌های تدریس تغییر کرده است.» او به مشکلات فضای آموزشی در مدارس دولتی اشاره می‌کند و می‌گوید: «در بسیاری از مناطق، کلاس‌های مدارس دولتی با بیش از ۴۰ دانش‌آموز برگزار می‌شود. این تراکم بالا، فقط تمرکز معلم را کاهش نمی‌دهد، بلکه فرصت تعامل فردی با دانش‌آموزان را نیز محدود می‌کند. همچنین، نبود مشاوران تخصصی، نیروی خدماتی کافی و تجهیزات آزمایشگاهی، از جمله مشکلات رایج در مدارس دولتی است که معمولاً از طریق کمک‌های مردمی تأمین می‌شود.»

امکان راه‌اندازی کسب‌وکار اینترنتی را فقط با ۲۵ میلیون تومان دارید!

مواد لازم برای بلاگر شدن!

گزارش

نیلوفرمنصوری
گروه گزارش

زندگی‌شان خلاصه شده در موبایل، میکروفن، سه‌پایه، دایره نور و قاب گوشی‌های عجیب و غریب. آنقدر معمولی و روتین که اگر برایت سؤال شود که تناسب و کارکرد اینها در زندگی روزمره چیست، با تعجب می‌گویند، «مگر تو در این جامعه زندگی نمی‌کنی؟» این دنیای پررزق و برق موبایل آنقدر عادی و البته متنوع است که نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن گذشت اما در کنار این دنیای پررونق، بازار موازی دیگری وجود دارد که امروزه کاسبان و مشتریان خاص خود را دور خود جمع کرده است؛ «بازار لوازم دیجیتال برای دنیای جدید کسب‌وکار اینترنتی.» از قاب گوشی و پایه نگه‌دارنده گرفته تا دوربین، میکروفن، نور ثابت و رینگ لایت؛ وسایل و تجهیزاتی که برای ساخت ویدیو، پادکست و تولید محتوا مورد نیاز است. بازار این شغل داغ‌داغ است کافی است به چند پاساژ معروف فروش این محصولات سری بزنید تا با این دنیای جدید آشنا شوید. چون تولید محتوا فقط شامل نوشتن متن، عکاسی و تصویربرداری نمی‌شود از تدوین، صداگذاری روی ویدیو و فتوشاپ تا رابطه با مشتری و آشنایی با زبان انگلیسی و ترجمه هم گستردگی دارد.

زن و مرد جوانی که می‌خواهند یک کسب‌وکار اینترنتی راه بیندازند، برای خرید لوازم و ابزار تولید محتوا آمده‌اند. فروشنده به آنها می‌گوید: «فرقی نمی‌کند می‌خواهید بلاگر فروش پوشاک، لوازم هنری، زیبایی و آرایش، آشپزی، تکنولوژی، سرگرمی، فشن و یا حتی آموزش شوید، نکته اول این است که باید ابزارهای اولیه برای تولید محتوای ویدیویی را تهیه کنید. برای شروع اصلاً نیازی به دوربین فیلمبرداری نیست، شما می‌توانید از موبایل خودتان هم استفاده کنید، اما موبایل شما باید کیفیت بالایی برای فیلمبرداری داشته باشد. میکروفن باکیفیت، پایه نگه‌دارنده، مونوپاد، نور ثابت و رینگ لایت هم نیاز دارید.» رینگ لایت یا حلقه نور، ابزاری است که در این پاساژ و مغازه‌ها به‌وفور یافت می‌شود. تقریباً در هر مغازه‌ای انواع آن در اندازه‌ها و تکنولوژی‌های مختلف به فروش می‌رسد. اما کاربرد این حلقه‌های نور چیست؟ فروشنده می‌گوید: «این دایره نورانی، نور محیط را تنظیم می‌کند. سایه‌ها را محو و نور مورد نظر برای عکاسی را تنظیم می‌کند. این را دیگر همه می‌دانند، شما چطور این را نمی‌دانی؟» بیشترین استفاده رینگ لایت یا دایره نور میان بلاگرها، اینفلوئنسرها، آرایشگرها و ناخن‌کارهاست. البته او می‌گوید: «برای بهتر شدن ویدیو علاوه بر رینگ لایت به سافت هم نیاز است تا نور طبیعی، رنگ طبیعی اجناس مورد نظر را پوشش دهد.» به گفته این فروشنده، قیمت‌ها هم با توجه به تکنولوژی متفاوت است. رینگ لایت از ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تا ۱۷ میلیون تومان در نوسان است و برای مدل سافت آن نیز حداقل باید ۵ میلیون تومان هزینه کنید.

فروشنده دیگری هم می‌گوید: «رینگ لایت طرفداران زیادی دارد، تقریباً همه از این وسیله استفاده می‌کنند حتی برای بچه‌ها هم جذابیت دارد. این حلقه‌های نور در دو رنگ آفتابی و مهتابی یا به عبارتی سفید و زرد است، البته می‌توان هر دو نور را هم با هم ترکیب کرد. کم و زیاد کردن نور هم بسته به سلیقه شخصی قابل تنظیم است. این حلقه‌های نور، رنگ طبیعی به محصول و حتی استفاده شخصی می‌دهد، اما بیشتر مشتری‌های آن افرادی هستند که در فضای مجازی محتوا تولید می‌کنند. البته برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، بهتر است اول از موبایل خودتان استفاده کنید. البته در کنار آن میکروفن و پایه دوربین موبایل هم ابزار مورد نیاز دیگر برای فیلمبرداری است.» او قیمت میکروفن را هم از ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تا ۱۷ میلیون تومان اعلام می‌کند.

حداقل هزینه برای بلاگری

فروشنده که سال‌هاست در این زمینه فعالیت می‌کند درباره قیمت اولیه ابزار تولید محتوا می‌گوید: «کسانی که می‌خواهند وارد این کار شوند، بهتر است برای خرید ابزار مورد نیاز اطلاعات کافی به دست آورند و لوازمی بخرند که دیگر نیازی به هزینه دوباره و تعویض نداشته باشند. یعنی یک بار باید تمام لوازم مورد نیاز خریداری شود. به همین دلیل برای شروع کار حداقل باید حدود ۲۵ میلیون تومان هزینه کنند.»

زن و مرد جوانی که برای خرید یک حلقه نور یا رینگ لایت آمده‌اند، برای یک آنلاین شاپ پیج پوشاک انواع لباس مردانه و زنانه اسپرت را تبلیغ می‌کنند. مرد جوان می‌گوید: «فیلم و عکس‌هایی که برای تبلیغات انجام می‌دهیم باید کیفیت و رنگ مناسبی داشته باشند. تمام برنامه‌ریزی آن هم با خودمان است از تنظیم نور و درجه تا زاویه دوربین؛ بنابراین بدون رینگ لایت و سافت عکس‌ها و فیلم‌ها کیفیت خوبی ندارند. به همین دلیل برای این دو قلم جنس حدود ۱۵ میلیون تومان هزینه کردیم تا کیفیت تولید محتوا بالاتر برود. البته اجناس ارزان‌تر هم هست اما ترجیح می‌دهیم چیزی بخریم که به این زودی‌ها تعویض ابزار نداشته باشیم.» خانم یک پنکه کوچک هم خریده: «این وسیله هم خیلی کاربردی است. باد ملایم و خنک آن اجازه نمی‌دهد که صورت‌مان عرق کند و آرایش‌مان به هم بریزد.»

> قیمت‌ها هم با توجه به تکنولوژی متفاوت است. رینگ لایت از ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تا ۱۷ میلیون تومان در نوسان است و برای مدل سافت آن نیز حداقل باید ۵ میلیون تومان هزینه کنید

بازار پرزرق و برق

میکروفن یقه‌ای، حلقه نور، سه‌پایه، قاب‌های رنگی و اکسسوری‌های متنوع بیشترین خریداران را در این بازار پرزرق و برق دارند. چند فروشنده در یک مغازه نشسته‌اند. یکی از فروشنده‌ها می‌گوید: «نمی‌توان در فضای مجازی بلاگر یا اینفلوئنسر بود و با یک گوشی معمولی جلوی دوربین رفت و محتوا تولید کرد. اگر ابزار مورد نیازت خاص نباشد قطعاً فروش بالایی نخواهی داشت. ما این چیزهای خاص را به مردم ارائه می‌دهیم.» فروشنده بعدی هم می‌گوید: «کسب‌وکارهای مجازی به‌خصوص بلاگری یا اینفلوئنسری، بیشتر مختص خانم‌هاست، بیشتر مشتری‌های ما هم زنان بلاگر هستند، البته آقایان هم کمابیش در این حوزه فعال هستند اما بیشترین مشتریان ما خانم‌ها هستند. این روزها این محصولات فروش بالایی دارد، البته اگر مغازه در جای خوبی باشد. ما روزی حدود سه چهار رینگ و سافت می‌فروشیم اما مغازه‌هایی که سرنبش یا سر گذر هستند، قطعاً خیلی بیشتر می‌فروشند.» قاب گوشی هم محصول دیگری است که در این مغازه‌ها به‌وفور یافت می‌شود، قاب‌هایی با طرح‌ها و رنگ‌های متنوع و عجیب و غریب. قاب‌های هولوگرامی، آیینه‌ای، شخصیت‌های انیمیشن و فیلم‌های معروف، برجسته و عروسکی، شاین‌دار، پاپ سوکت‌دار، طرح کیف، دستبند، گوشواره و حلقه‌های رویشان که زرق و برقش چشمان مشتری را می‌گیرد. مادری که به همراه دختر نوجوانش برای خرید قاب گوشی آمده، مدام به او تشر می‌زند که قاب معقول و قیمت مناسبی را انتخاب کند. بعد بدون اینکه کسی متوجه شود، می‌گوید: «هر ماه کلی خرج این آت و آشغال‌ها می‌کنی، چند روز دستت می‌گیری، چند عکس از آن را توی صفحه اینستاگرامت می‌گذاری و بعد دورش می‌اندازی. این هزینه‌های اضافی بجز پول دور ریختن به درد دیگری می‌خورد؟» دختر نگاهی به مادرش می‌کند و یک قاب صورتی را که رویش عروسک پفکی نصب شده می‌خرد.